

مطالعه جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری با تاکید بر راهبردهای رسانه ملی در شهر ایرانی - اسلامی

شهرزاد چرامی^۱

باقر ساروخانی^۲

مصطفی ازکیا^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۲۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷

چکیده

امروزه با گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نوین بسیاری از مفاهیم نظیر جنگ، قدرت، پیروزی و شکست دارای معانی و راهبردهای جدیدی شده است که از تحقق حاکمیت و هژمونی نظام سلطه و استیلای فرهنگ بیگانه با استفاده از فضای رسانه‌ای حاکم بر جهان حکایت دارد. دستاورد جنگ نرم در بافت‌های شهری، توصیف کاملی از مبارزه خاموش و بی‌صدا با نگرش‌ها، گرایش‌ها، مفاهیم و شاخص‌های مذهبی است که در نهایت این عناصر به مرور زمان، رو به فراموشی رفته‌اند. این در حالی است که ایرانیان با توجه به فرهنگ خود، به حضور چنین فضاهایی وابسته هستند. این فضاها در گذشته روابط تعاملی و موثری با پیرامون خود داشته‌اند که می‌توانند در آینده نیز داشته باشند. حصول این امر از طریق مسئله‌یابی تضادهای موجود و تدوین راه‌حل‌های برخورد با آن، با اتکا به نوعی برنامه‌ریزی عقلایی اجتناب‌ناپذیر و البته امکان‌پذیر است که در سایه ایجاد راهبردهای رسانه شهری قابل تحقق است. در این مقاله، سعی بر آن است تا با شناسایی دو گونه متفاوت (بافت پر و خالی برخوردار از عناصر شاخص مذهبی) و بهره‌گیری از روش‌های میدانی، کتابخانه‌ای و پیمایشی با رویکرد علی، شناختی جامع در مبانی نظری و مطالعات میدانی آن حاصل گردد و با در تقابل قراردادن این دو، به اصول سازمان‌دهی فضایی موثر در جهت مقاوم‌سازی بافت‌های شهری در مقابله با جنگ نرم شهری، دست یافت. مهم‌ترین نتایج مستخرج از این پژوهش تدوین اصول سازماندهی فضایی جنگ نرم در بافت‌های شهری است که ۳ موضوع راهبردی به‌عنوان الگویی برای برنامه‌ریزی و طراحی بافت‌های شهری برخوردار از عناصر شاخص مذهبی در برابر جنگ نرم شهری ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: اصول سازمان‌دهی فضایی، رسانه و جنگ نرم.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران.

۲. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

۳. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

مقدمه

بیشتر فعالیت‌های حرفه‌مندان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در خصوص بازپیرایش محلات و محیط‌های انسان ساخت، معطوف به معماری و گاهی طراحی بناها و فضاهای شاخص بوده است که خود تابعی از شرایط و نیز نظرات دولت‌مردان (تصمیم‌گیران) و خواسته‌های مردم است. این فعالیت‌ها در تقابل با بافت محوری و آفرینش محلات، نواحی، مناطق و کلیت شهرها و روستاها می‌باشند. از این رو مطالب اجتماعی و کاربردی کمتری در ادبیات توسعه شهری در خصوص برنامه‌ریزی و طراحی پهنه‌های عملکردی - کالبدی چنین فضاهایی وجود دارد. در تمامی علوم و نیز در جوامع کیفیت‌گرا، تأثیر عناصر کالبدی بر رفتار انسانی همواره مورد تأکید بوده است، این تأثیر در مواقعی که عناصر از نوع مذهبی و فرهنگی باشند، به مراتب بیشتر است. بر این اساس، این پژوهش به دنبال باز تعریف ساختار فضایی محلات و بافت‌های شهری با رویکرد جامعه‌شناسانه است که از یک یا چند عنصر شاخص و به خصوص از نوع مذهبی آن، برخوردار می‌باشند و تلاش دارد تا با بازشناسی این فضاهایی با نمود جنگ نرم، اصول برنامه‌ریزی و طراحی مناسب چنین فضاهایی را ارائه نماید. بنابراین با بازنمود عناصر نفوذی مبتنی بر جنگ نرم با رویکرد جامعه‌شناسانه و فضایی به نقش رسانه و جایگاه آن، تأکیدی موکد خواهد شد.

بیان مسئله

توجه به سیمای شهری و سازمان فضایی شهر مستلزم آن است که هر مجموعه فارغ از مقیاس و الگوهای فضایی دارای جلوه‌ای متمایز و انحصاری باشد و با استفاده از توانایی‌های معماری و اجتماعی خود معرفی و شناسانده شود. بررسی‌های تاریخی شهرهای گذشته نشان می‌دهد که این شهرها تحت تأثیر عوامل اقلیمی و فرهنگی، اجتماعی، ارتباطی (رسانه‌ای) و اقتصادی شکل فضایی خاصی پیدا کرده‌اند. این شکل فضایی در مواردی آن قدر قوی است که حتی به کمک یک نقشه دو بعدی یا یک عکس هوایی ساده می‌توان ترکیب آن را تشخیص داد. مطالعه در عرصه‌ها و عناصر بافت شهری برای شهر ایرانی اسلامی برای هویت‌بخشی لازم است تا این شهرها بتوانند ظرفیت خاطر جمع و فضایی شهروندان محسوب گردند. شهرهای ایران علی‌رغم فشردگی‌های کالبدی، مبین ساخت فضایی ویژه‌ای هستند و آن پیوستگی مجموعه مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی است (محمدیان و وثیق، ۱۳۹۴). از سوی دیگر؛ شهرهای امروز به طور فزاینده‌ای در معرض تهدید کسانی است که ابزارهای «قدرت رسانه‌ای» را در دست دارند. از سوی دیگر در اذهان عمومی زور و خشونت مناسبات اجتماعی و سیاسی در سطح بین‌المللی بیش از هر زمان دیگر مذموم و غیرموجه به نظر می‌رسد. با این توصیف اگر برای رویارویی قطب‌های راهبرد روانی - رسانه‌ای موجود در عصر حاضر اصطلاح «جنگ» را قائل باشیم، بی‌شک جنگ نرم رسانه‌ای، جنگی غیرمستقیم و مبتنی بر شیوه‌ها و تکنیک‌های پیچیده فرآیند نفوذ اجتماعی - روانی خواهد بود. از این رو می‌توان گفت هدف درجنگ نرم رسانه‌ای عبارت است از: تضعیف،

تغییر، جهت‌دهی یا استحاله فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها، هویت، مشروعیت و افکار عمومی یک جامعه با استفاده از ابزار غیر خشونت‌آمیز به‌ویژه رسانه‌ها.

جنگ نرم رسانه‌ای مبتنی بر قدرت نرم و قدرت نرم خود نیز متکی بر عناصری چون جذب، کشش، اغوا و اقناع است. قدرت نرم، در واقع قدرتی هنجاری است که از رهگذر جذابیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک و همچنین به کارگیری توان اقناع، جذب و توجیه به دست می‌آید؛ به گونه‌ای که مخاطب با میل و اراده خود و با رضایت تن به اهداف مورد نظر می‌دهد (مسائلی، ۱۳۷۳: ۵). در جنگ نرم کشور مهاجم با استفاده از منابع قدرت نرم، اراده خود را بر یک ملت و نظام سیاسی تحمیل و آن را با روش‌های نرم‌افزارانه اشغال می‌کند. جنگ نرم، اقدامی تعمدی و تدبیر شده است که ماهیت و منطقی درونی آن بر تلاش به منظور اثرگذاری بر ارزش‌ها، هنجارها، ترجیحات و باورهای جامعه هدف مبتنی است. در این رویکرد، کشور مهاجم با ایجاد تغییر و استحاله در الگوهای مستقر جامعه هدف، موجبات زوال و فروپاشی درونی آن را فراهم می‌آورد و نظم دلخواه خویش را در جامعه مذکور برقرار می‌سازد. بدین ترتیب در عصر حاضر جنگ‌ها تنها محدود به استفاده از ابزارهایی با ابعاد سخت و قابل لمس نیستند، بلکه از مقولاتی هم‌چون قدرت جذب و اقناع و سیطره فرهنگی بر فکر و ذهن افراد جامعه هدف بهره می‌گیرند. بر این اساس، در دوران فرانوی کتونی، جنگ جدید، ماهیتی نرم‌افزارانه، هنجاری و ایدئولوژیک به خود گرفته و با توجه به ماهیت و پیوستگی خود، در چارچوب و بستر مفاهیمی هم‌چون نظم نوین جهانی و جهانی‌سازی قابل درک و فهم و توصیف است. ایجاد شبکه‌های وسیع و گسترده ارتباطات جهانی و نیز فراگیر شدن رسانه‌های جمعی در عصری که از آن به عصر اطلاعات و ارتباطات تعبیر می‌شود، موجب تشدید درهم تنیدگی و گسترش ابعاد جنگ نرم و به تبع آن، افزایش میزان اثربخشی آن شده است. شتاب روزافزون در دست‌یابی به فناوری‌های جدید رسانه‌ای و گسترش شبکه‌های اجتماعی باعث شده است که جنگ نرم تنها به عرصه روابط خارجی و بین‌المللی منحصر نشود، بلکه این مقوله به نوعی در همه رفتارهای اجتماعی ما ساری و جاری باشد، به طوری که وقتی ما از طریق اقناع، گفتگو و جذب تلاش می‌کنیم تا دوستانمان را متقاعد سازیم که همان رفتاری را انجام دهد که مطلوب ماست، در واقع از قدرت نرم استفاده کرده‌ایم. در این میان رسانه ملی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، اخلاق و شیوه‌های رفتاری جامعه، رسالت و نقش بسیار با اهمیت و مؤثری در مقابله با جنگ نرم طراحی شده علیه ایران بر عهده دارد (مطهری‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

با عنایت به موارد بالا، بافت‌های شهری در سال‌های اخیر برآیندی از نمودهای جنگ نرم شده‌اند و کارکرد هویت‌بخشی خود را از دست داده‌اند. به عبارت بهتر و گویاتر، سیمای شهری و سازمان فضایی شهر تهران، دارای مقادیری از المان‌هایی با نمود جنگ نرم بوده و یکی از کارکردهای اصلی رسانه‌ها بازنمود این عرصه‌ها و عناصر بافت شهری است. بنابراین، سوال محوری پژوهش بدین صورت شکل

می‌گیرد که اصول سازماندهی فضایی- جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری با تاکید بر راهبردهای رسانه ملی در شهر ایرانی- اسلامی چیست؟ و کدام‌ها هستند؟

پیشینه تحقیق و مبانی نظری

در مفهوم نوین و امروزی، از سوی کمیته خطر جاری^۱ در سال‌های پایانی جنگ سرد طراحی شد. «کمیته خطر جاری» عنوان کمیته‌ای است که در دهه ۱۹۷۰ از سوی گروهی از سناتورهای آمریکایی، مسئولان ارشد وزارت خارجه این کشور، استادان برجسته علوم سیاسی مؤسسه مطالعاتی آمریکن اینتر پرایز و گروهی از مدیران با سابقه سیا و پنتاگون تأسیس شد. هدف از تأسیس این کمیته، خروج از بن‌بستی بود که در دوران جنگ سرد میان دو اردوگاه شرق و غرب به رهبری اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا در توازن هسته‌ای و رقابت‌های تسلیحاتی به وجود آمده بود. اعضای این کمیته با منتفی دانستن جنگ سخت بین دو ابرقدرت، تنها راه به زانو در آوردن رقیب را در طراحی و اجرای جنگ نرم و فروپاشی از درون تشخیص دادند. راهکارهای «دکترین مهار»، «نبرد رسانه‌ای» و «ساماندهی نافرمانی مدنی» راهبردهای طراحی شده «کمیته خطر جاری» به منظور به کارگیری علیه اتحاد جماهیر شوروی بودند (نائینی، ۱۳۸۸: ۲۱). این راهبردها که هم اکنون با عنوان شیوه‌ها و ابزارهای جنگ نرم شناخته می‌شوند، نقش اساسی در تسریع و تسهیل فروپاشی شوروی و تجزیه این کشور به چندین جمهوری مستقل ایفا کردند. پس از این دوران، ماهیت تهدیدات در بسیاری از موارد، چهره هنجاری و فرهنگی به خود گرفتند و در قالب مفاهیمی هم‌چون قدرت جذب و اقتناع چارچوب‌بندی شدند. واقعیت این است که جنگ نرم با مختصات نظری و عملی خود قادر است سطحی پایدار و ماندگار از قدرت را با خود به ارمغان آورد و این امکان را به قدرت‌های بزرگ جهان بدهد که نظام‌های سیاسی معارض را پیش از عملیات نظامی، با به کار بستن قدرت نرم فرو ریزند. در عصر کنونی، توسعه و گسترش فزاینده و بی‌سابقه فناوری‌های ارتباطاتی و رسانه‌های جمعی نوظهور، تار و پود قدرت نرم کشورهای جهان غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا را تشکیل داده و بر میزان تأثیرگذاری فرهنگی این کشورها در سطوح فراملی و عرصه‌های جهانی به نحو چشمگیری افزوده است. قدرت به اصطلاح سخت به عنوان عاملی تعیین کننده در کنش‌ها و دینامیک‌های روابط سیاسی هم چنان باقی است، اما قدرت نرم، بسیار مؤثرتر و کارسازتر است. قدرت نرم عنصر اصلی تهدید نرم است و در ترکیب و همگرایی با قدرت سخت، قدرتی ایجاد می‌کند که از آن با عنوان قدرت هوشمند^۲ یاد می‌شود (رنجبران، ۱۳۸۷: ۹۸).

^۱ committee on the present danger

^۲ smart power

جنگ نرم^۱

ارائه تعریفی واحد و جامع برای جنگ نرم اندکی مشکل است چرا که این مفهوم در طول تاریخ خود به شکل‌های مختلف و در سطوح متفاوت به کار رفته است. نگاهی بر تعاریف اولیه از عبارت جنگ نرم یا عبارات بدیل آن نشان می‌دهد که کاربرد این نوع جنگ بیشتر محدود به زمان جنگ فیزیکی یا زمان اعلام وضع فوق‌العاده بوده است. اما تعاریف امروزی از این نوع جنگ به هیچ وجه آن را منحصر به دوران جنگ و وضعیت فوق‌العاده و بحرانی نمی‌دانند و ما در دوران صلح و آرامش نیز به گونه‌ها و سطوح و شدت‌های مختلف می‌توانیم شاهد جنگ نرم باشیم (عسگری، ۱۳۹۰: ۱۱). نکته دیگری که در این جا باید بدان توجه شود دایره گسترده مفاهیم مترادف و یا همبسته جنگ نرم است؛ برای نمونه عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای، پروپاگاندا، جنگ افکار، جنگ اعصاب، جنگ سیاسی، جنگ تبلیغاتی، جنگ روانی، جنگ مجازی، جنگ از راه دور، جنگ ایدئولوژیک، جنگ عقیدتی و ... این عبارات در مرحله نخست نشان دهنده پیچیدگی مفهوم جنگ نرم و گستردگی مصادیق و اشکال آن بوده و در مرحله بعد اهمیت آن را نشان می‌دهند. به کارگیری فنون جنگ روانی از هزاران سال قبل مورد توجه بوده و به شکل‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است و اصطلاح جنگ نرم عنوان جدیدی برای یک مفهوم قدیمی است (نصر، ۱۳۸۱: ۸۲). بنابراین جنگ نرم را می‌توان هر گونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا می‌دارد، تعریف کرد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و ... از اشکال جنگ نرم می‌باشند. آن‌ها می‌توانستند با بهره‌گیری از آن‌ها قدرت بیشتری در این نوع جنگ داشته باشند.

چیستی و چرایی جنگ نرم

چنان که پیشتر نیز گفته شد، در عصر حاضر ماهیت منازعه میان کشورها و جوامع مختلف تغییر یافته است و راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم به عنوان رویکرد غالب در روابط غیر مسالمت‌آمیز میان کشورها به کار گرفته می‌شود. واقعیت‌های جهان معاصر مبین این نکته‌اند که کشورهای متخاصم حتی با برخورداری از توان نظامی و تسلیحاتی بالا از دست یازیدن به جنگ سخت افزارانه و نظامی اجتناب می‌کنند و در اکثر موارد رویکردهای نرم افزارگرایانه را در قبال جامعه رقیب در پیش می‌گیرند. به کارگیری قدرت نرم به منظور شکست دادن حریف و ترجیح دادن این نوع از قدرت نسبت به قدرت نظامی دلایلی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها موارد زیر است:

¹ soft war

۱. پنهان بودن

پنهان و نامحسوس بودن جنگ نرم از ویژگی‌های مهم آن است. ویژگی مذکور این امکان را فراهم می‌آورد که کشور مهاجم، راهبردهای براندازانه خود را تحت پوشش و در قالب اقدامات فرهنگی، هنری، علمی، اطلاعاتی، بشردوستانه و ... دنبال کند، بی آن که کشور مورد حمله، افکار عمومی داخلی یا ناظران خارجی قادر باشند نشانی از مداخله خصمانه کشور مهاجم بیابند یا دلیلی بر اقدامات غیر مسالمت‌آمیز مستتر در فعالیت‌های پیش گفته ارائه دهند.

۲. کم بودن میزان خسارت

جنگ نرم نسبت به جنگ سخت، خسارات مادی و معنوی کمتری را متوجه عامل تهدید نرم می‌کند. در جنگ سخت و نظامی علاوه بر هزینه‌های مربوط به ادوات و تسلیحات نظامی، تلفات نیروی انسانی نیز وجود دارد که این موضوع نگرش‌های منفی افکار عمومی داخلی و خارجی را نسبت به کشور تهدید کننده و مهاجم در پی خواهد داشت. از سویی نیز اقناع افکار عمومی داخلی و جهانی نسبت به دلایل تهاجم نظامی و استمرار آن امری بسیار دشوار خواهد بود. این موضوع در بسیاری از موارد کشور مهاجم را در موقعیتی انفعالی قرار می‌دهد، به نحوی که ناچار به ترک مخاصمه و عقب‌نشینی از مواضع خصمانه خود علیه کشور یا کشورهای هدف و پرداخت خسارت و غرامت می‌شود.

۳. وسیع بودن گستره نتایج

در جنگ نرم عرصه‌های بسیار مهمی هم‌چون فرهنگ و نظام ارزشی یک ملت مورد هجوم قرار می‌گیرد، حال آن که غایت جنگ نظامی تصرف یا الحاق یک کشور یا بخشی از آن یا سرنگونی یک نظام سیاسی است. بدین ترتیب در جنگ نرم گستره نتایج از وسعت و پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود.

۴. عمیق بودن تأثیرات

برخلاف منازعه نظامی، نبرد نرم روندی تدریجی دارد و در نتیجه آثاری که به بار می‌آورد، هم ماندگارتر و هم عمیق‌تر است. در جنگ نرم زیرساخت‌های اساسی و بنیادین جامعه (از جمله فرهنگ و هنجارهای آن) مورد تهاجم قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، آثار جنگ نرم بر خلاف جنگ سخت در تمامی عرصه‌ها و زوایای جامعه هدف، تثبیت و نهادینه می‌شود.

۵. کاهش امکان مقابله

در جنگ نرم از ابزارهای فوق پیشرفته رسانه‌ای، اطلاعاتی، مخابراتی و دیجیتالی استفاده می‌شود. این امر، امکان مقابله کشورهای بی‌بهره یا کم بهره از فناوری‌های پسامدرن هزاره سوم در برابر کشورهای تولید کننده و برخوردار از چنین فناوری هایی را بسیار کاهش می‌دهد.

۶. پایین بودن تبعات روانی و تبلیغاتی جنگ نرم برای کشور مهاجم

در جنگ نرم در صورت طرح دعای معترضان علیه کشور مهاجم، کشور مذکور خواهد توانست عاملیت و مدخلیت خود را به کلی نفی و انکار کند و یا دست کم با تشکیک رو به رو سازد. چنین وضعیتی برای طرف مقابل موقعیتی سخت به حساب می‌آید؛ زیرا هر چند به عامل بودن و مدخلیت دشمن در جنگ نرم واقف است، به دلیل نبود مدارک، اسناد و شواهد روشن و صریح برای انتقال این آگاهی به افکار عمومی داخلی و ناظران خارجی، با موانع بسیار رو به روست (رنجبران، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

اهداف جنگ نرم

هدف نهایی در جنگ نرم علیه یک جامعه، ایجاد تغییر، دگرگونی و استحاله در ساختارهای اساسی و بنیادی جامعه مذکور و جایگزین ساختن ساختارهای جدید مطابق با نظام ارزش‌های کشور مهاجم است. بر این اساس، غایت جنگ نرم از میان برداشتن و مضمحل ساختن جامعه هدف نیست، بلکه همسویی و همگرایی این جامعه با اهداف، سیاست‌ها و خواست جامعه مجری جنگ نرم است. در فرآیند جنگ نرم به منظور حصول نتیجه و دستیابی به هدف اصلی این جنگ که همانا استحاله درونی نظام مورد حمله است، مراحل و وجود دارد که به صورت خطی و یکی پس از دیگری دنبال می‌شوند. نخستین مرحله از مراحل مذکور، ایجاد تغییر در زیر ساخت‌های فکری و نظری، باورها، نگرش‌ها و اعتقادات مردم جامعه هدف است. در این مرحله ارزش‌ها و اعتقادات جامعه مورد حمله، تضعیف و تخریب می‌شود و مورد تردید قرار می‌گیرد. در مرحله بعد با استفاده از ساز و کارهای قدرت نرم، گفتمان‌سازی، فرهنگ‌سازی، هنجارسازی، ایدئولوژی‌سازی و تعریف نظام اخلاقی جدید صورت می‌گیرد که موجب نوعی اقناع ذهنی و تغییر در افکار، اندیشه‌ها و ترجیحات و خواسته‌های افراد جامعه هدف می‌شود. بدین ترتیب مجریان جنگ نرم توانسته‌اند نحوه تفکر، اندیشیدن و تلقی افراد جامعه نسبت به مقولات مختلف را به دلخواه خویش دگرگون سازند و بستر لازم برای جایگزین ساختن ایدئولوژی، هنجارها و باورهای مهاجم را در کشور هدف فراهم آورند. مرحله سوم، مرحله ایجاد تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدیدی است که با الگوهای رفتاری موجود تفاوت‌هایی اساسی و ماهوی دارد. اساساً رفتارهای یک جامعه مبتنی بر اعتقادات، باورها، نگرش‌ها و رویکردهای نظری نسبت به مقولات مختلف است. با دگرگون‌سازی مفاهیم مذکور، الگوهای رفتاری جامعه نیز تغییر می‌کند، و به جای رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی

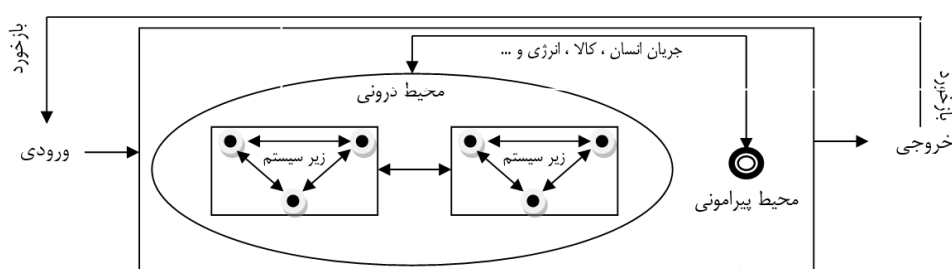
جامعه، رفتارهای چالشی و ساختارشکن رخ می‌نماید. در چنین حالتی، توده مردم به جمعیت‌های همسو با اهداف کشور مهاجم تبدیل می‌شوند و با نظام سیاسی مستقر در تعارض قرار می‌گیرند یا حداقل نسبت به آن موضعی بی‌تفاوت و خنثی اتخاذ می‌کنند. بدین ترتیب، زمینه مناسب برای مشروعیت‌زدایی از رژیم سیاسی حاکم فراهم می‌آید و تبدیل وضعیت نظام سیاسی مستقر به نظام مطلوب مجریان جنگ نرم امکان‌پذیر می‌گردد. در این مرحله چنان که مشخص است، استحاله نظام سیاسی هدف، از طریق ایجاد شکاف و گسل میان مردم و حاکمیت و سلب اعتماد و حمایت مردمی از نظم سیاسی مستقر صورت گرفته است. توده افراد جامعه هدف با پذیرش الگوهای رفتاری مهاجم، به پیاده نظام مجریان جنگ نرم تبدیل شده و اهداف آنان را در جامعه خویش به مرحله اجرا گذارده‌اند. بدین ترتیب به کارگیری قدرت نرم به اضمحلال یک نظام سیاسی معارض و جایگزین شدن نظام مطلوب و همسو با خواست کشور مهاجم از طریق ساز و کارهای فشار از بیرون و تغییر از درون، منتهی می‌شود. جنگ نرم نیز همانند جنگ سخت اهداف گوناگونی دارد و قاعدتاً هدف غایی هر دو آن‌ها، تغییر هر دو آن‌ها، تغییر کامل نظام سیاسی یک کشور است که البته با اهداف محدودتر هم انجام می‌گیرد. در حقیقت، جنگ نرم و جنگ سخت یک هدف را دنبال می‌کنند و این وجه مشترک آن‌هاست. در هر صورت هدف اصلی این جنگ، اعمال فشار برای ایجاد دگرگونی در اصول و رفتار یک نظام یا به طور خاص تغییر خود نظام است. در جنگ نرم به جای سخت افزار از نرم افزارهای رسانه‌ای چون رادیو، تلویزیون، پارازیت، خبرگزاری‌ها، اینترنت، ماهواره، ابزارهای دیجیتال و ... استفاده می‌شود (الیاسی، ۱۳۸۸: ۷۰). از دیرباز در مقایسه میان این دو جنگ گفته‌اند متقاعد ساختن یک نفر به پیوستن به شما بسیار ارزان‌تر از کشتن او تمام می‌شود. واژه‌ها، بسیار کم هزینه‌تر از گلوله‌های تفنگ هستند؛ تا چه رسد به گلوله‌های توپ و تانک‌ها، از سویی نیز با کشتن آن شخص، شما تنها دشمن را از داشتن یک سرباز محروم می‌کنید؛ حال آن که اگر او متقاعد شود به نیروهای دولتی بپیوندد، هم به ضرر دشمن و هم به نفع نیروهای دولتی است و این به معنای کسب دو امتیاز با این حرکت است (رضوی‌پور، ۱۳۸۹: ۳۳۵).

چارچوب نظری

در بخش دوم با توجه به موارد گفته شده بالا، به ویژه عدم توجه به نگرش جنگ نرم در مداخلات بافت‌های برخوردار از عناصر شاخص، چارچوب نظری پژوهش با محوریت داشتن نگرشی باز به عناصر و بافت شهری که از الزامات رویکرد سیستمی است، استوار گردیده است. این نگرش دو موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد:

شهر/ محله می‌بایست به‌عنوان سیستمی باز در نظر گرفته شود که با محیط پیرامونی خود در تبادل انسان، اطلاعات، فعالیت، انرژی و ... است.

سیستم شهری فعال، دارای عناصر و اجزای تشکیل دهنده مختلفی است و هر یک از این اجزا در جای مناسب خود قرار گرفته، دارای تعاملات متقابلی با سایر اجزا و با کلیت سیستم می‌باشند، تا بدین نحو سیستم بتواند در راستای دستیابی به هدفی معین گام‌های موثری بر دارد. با این وجود در راستای نظم‌بخشی به عناصر تشکیل دهنده ساختار فضایی- کالبدی سیستم‌های شهری، به طور کلی، دو نوع ارتباط را می‌توان تشخیص داد:



شکل شماره (۱): مدل مفهومی نگرش سیستمی

الف) ارتباطات درونی: که ناظر بر ارتباطات میان عناصر و فضاهای مجموعه با یکدیگرند. بدیهی است هر قدر این گونه ارتباطات در درون مجموعه بیشتر باشد، انسجام و بهم پیوستگی آن بیشتر خواهد بود.

ب) ارتباطات بیرونی: که ناظر بر ارتباطات فضاها و عملکردهای مجموعه با سایر عناصر و کارکردهای پیرامونی محله‌ای/شهری است. هر چه ارتباطات بیرونی فضاها و عملکردهای مجموعه با دیگر فضاها و عملکردهای شهری متنوع، پیچیده و گسترده باشد، نقش مجموعه در شکل‌دهی به فضاهای شهری برجسته‌تر می‌گردد» (محمدی، ۱۳۷۹: ۹۹). در واقع ارتباطات درونی پیوند عناصر مجموعه را با یکدیگر برقرار می‌سازند و ارتباطات بیرونی عنصر را به ساختار فضایی و کالبدی شهر پیوند می‌دهند.

اهداف تحقیق

هدف کلی

- تعیین اصول سازماندهی فضایی- جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری با تاکید بر راهبردهای رسانه ملی.

اهداف جزئی

- تبیین ارتباط بین اصول سازماندهی فضایی- جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری

- تبیین ارتباط بین اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم با بافت‌های شهری از طریق رسانه‌های ملی.

فرضیه‌ها

اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری تاثیر معناداری دارد.
اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم با استفاده از رسانه ملی بر بافت‌های شهری تاثیر معناداری دارد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

جنگ نرم

تعریف نظری: جنگ نرم را می‌توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا می‌دارد، تعریف کرد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و ... از اشکال جنگ نرم می‌باشند. آن‌ها می‌توانستند با بهره‌گیری از آن‌ها قدرت بیشتری در این نوع جنگ داشته باشند (نصر، ۱۳۸۱: ۸۲).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر متغیر جنگ نرم با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته اندازه‌گیری شده است که با ۲۰ گویه مطابق جدول (۱) با حداکثر امتیاز ۱۰۰ و حداقل امتیاز ۲۰ سنجیده شده است:

جدول شماره (۱): مقیاس متغیر جنگ نرم

متغیر	ابعاد	تعداد گویه‌ها	فرمت سوال	وزن‌دهی	حداکثر و حداقل امتیاز
متغیر جنگ نرم	سیاسی	۲۰	طیف پنج سطحی	کاملاً موافق (وزن ۵)	۵-۲۵
	اقتصادی		لیکرت ^۱	موافق (وزن ۴)	۵-۲۵
	فرهنگی			بی‌نظر (وزن ۳)	۵-۲۵
	ارتباطاتی			مخالف (وزن ۲)	۵-۲۵
				کاملاً مخالف (وزن ۱)	

اصول سازماندهی فضایی

تعریف نظری: به نظر «راپاپورت»، جهان بی‌نظم و در هم است و ذهن انسان در جستجوی نظم. مجتمع‌های زیستی، ساختمان‌ها و مناظر همگی نتیجه تلاش ذهن انسان است، برای مفهوم بخشیدن به

^۱ Likert scale

جهان و انسانی کردن آن از طریق اعمال نظمی خاص بر آن؛ نظمی آگاهانه که با نام سازماندهی و نام‌گذاری فضایی حاصل می‌شود (راپاپورت، ۱۳۶۶).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر متغیر اصول سازماندهی فضایی با استفاده از پرسشنامه استاندارد و محقق ساخته اندازه‌گیری شده است که با ۲۰ گویه مطابق جدول (۲) با حداکثر امتیاز ۱۰۰ و حداقل امتیاز ۲۰ سنجیده شده است:

جدول شماره (۲): مقیاس متغیر اصول سازماندهی فضایی

متغیر	ابعاد	تعداد گویه‌ها	فرمت سوال	وزن‌دهی	حداکثر و حداقل امتیاز
متغیر اصول سازماندهی فضایی	اصل سادگی اصل پیوستگی فضایی اصل هم‌پیوندی عناصر شهری و واحدهای مسکونی اصل محصور کردن فضا اصل مقیاس و تناسب اصل فضاهای متباین اصل قلمرو اصل ترکیب	۲۰	طیف پنج سطحی لیکرت	کاملاً موافق (وزن ۵) موافق (وزن ۴) بی‌نظر (وزن ۳) مخالف (وزن ۲) کاملاً مخالف (وزن ۱)	۵-۱۰۰

رسانه‌های ملی

تعریف نظری: رسانه‌های ملی وسیله‌هایی است که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم موردنظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می‌کند. به عبارت دیگر، رسانه، وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو، تلویزیون ملی و ... نمونه‌هایی از رسانه‌ها هستند (رضوی‌پور، ۱۳۸۹).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر متغیر رسانه‌های ملی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته اندازه‌گیری شده است که با ۲۰ گویه مطابق جدول (۳) با حداکثر امتیاز ۱۰۰ و حداقل امتیاز ۲۰ سنجیده شده است:

جدول شماره (۳): مقیاس متغیر رسانه‌های ملی

متغیر	ابعاد	تعداد گویه‌ها	فرمت سوال	وزن‌دهی	حداکثر و حداقل امتیاز
متغیر رسانه‌های ملی	سرگرمی و تفریح آگاهی و دانستن ارتباط اجتماعی هویت شخصی	۲۰	طیف پنج سطحی لیکرت	کاملاً موافق (وزن ۵) موافق (وزن ۴) بی‌نظر (وزن ۳) مخالف (وزن ۲) کاملاً مخالف (وزن ۱)	۵-۱۰۰

روش‌شناسی

این پژوهش براساس هدف، کاربردی محسوب می‌شود، زیرا قصد بر این است تا از نتایج آن در مدت زمان کوتاهی استفاده شود. همچنین پژوهش مذکور از لحاظ گردآوری داده‌ها و اطلاعات به جهت این که داده‌ها توسط پرسشنامه استاندارد^۱ گردآوری می‌شود، توصیفی-تحلیلی با روش پیمایشی^۲ (از نوع علی^۳) قلمداد شده و به جهت این که در یک برهه زمانی خاص اجرا می‌گردد، مقطعی محسوب خواهد شد. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شد.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری عبارت از تمامی شهروندان ساکن شهر تهران که سن آن‌ها بیشتر از ۱۵ سال درست بوده‌اند، می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب که از شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تهران به صورت تصادفی مبادرت به تکمیل پرسشنامه‌ها نمودند. آلفای کرونباخ به دست آمده برای پرسشنامه برابر با ۰/۸۴۱ بوده که نشان دهنده وجود همبستگی بین گویه‌های پرسشنامه است.

یافته‌های پژوهش

- اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری تاثیر معناداری دارد.
- H₀: اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری تاثیر معناداری ندارد.
- H₁: اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری تاثیر معناداری دارد.

جدول شماره (۴): آزمون مربوط به فرضیه اول

نتیجه	t-value	Sig.	تخمین استاندارد	S.E خطای انحراف از استاندارد	تخمین	فرضیه اول
معنادار	۳/۳۲۱	۰/۰۰۰	۰/۴۰۲	۰/۰۵۸	۰/۳۹۸	اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم بافت‌های شهری

با توجه به جدول (۴) مشخص می‌شود که سطح معنی‌داری گزارش شده از ۰/۰۰۱ کوچک‌تر است، بنابراین تاثیر و ارتباط بین دو متغیر وجود دارد. اعداد گزارش شده در ستون‌های تخمین و تخمین استاندارد، میزان تاثیر متغیر اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم بر متغیر بافت‌های شهری را گزارش می‌کنند. همچنین با توجه به آماره t این مسیر (t=3.321>2.58) می‌توان نتیجه گرفت

1. Standard questionnaire

2. Survey method

3. Correlation

با احتمال ۹۵ درصد، فرض صفر رد شده و فرضیه یک مورد تایید است. بنابراین اصول سازماندهی فضایی- جامعه‌شناختی جنگ نرم با بافت‌های شهر ایرانی- اسلامی رابطه داشته و تاثیر معناداری وجود دارد. این تاثیر به میزان ۰/۳۹۸ (غیراستاندارد) و ۰/۴۰۲ (استاندارد) می‌باشد و مقدار این مقادیر نشان می‌دهند که اصول سازماندهی فضایی- جامعه‌شناختی جنگ نرم بر بافت‌های شهر ایرانی- اسلامی به تنهایی به اندازه ۰/۴۰ درصد تاثیر داشته است.

- اصول سازماندهی فضایی- جامعه‌شناختی جنگ نرم با استفاده از رسانه‌های ملی بر بافت‌های شهری تاثیر معناداری دارد.

H₀: اصول سازماندهی فضایی- جامعه‌شناختی جنگ نرم با استفاده از رسانه‌های ملی بر بافت‌های شهری تاثیر معناداری ندارد.

H₁: اصول سازماندهی فضایی- جامعه‌شناختی جنگ نرم با استفاده از رسانه‌های ملی بر بافت‌های شهری تاثیر معناداری دارد.

در آزمون فرضیات می‌توان از سه روش برای محاسبه رابطه بین دو متغیر با حضور متغیر میانجی استفاده نمود که عبارتند از: روش بارون و کنی^۱، روش آزمون سابل^۲ و روش بوت استرپینگ^۳ (مهدویان و شریف، ۱۳۹۴: ۹۸). در این پژوهش از روش بارون و کنی جهت فرضیات استفاده می‌شود. در این روش ابتدا تمامی مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم را اسم‌گذاری کرده و سه مدل طراحی می‌کنیم. مدل مذکور به صورت ذیل در خواهد آمد:

اولین قدم برای تحلیل فرضیه‌های پژوهش بررسی تاثیر کل^۴ و معنی‌داری مسیر ضریب رگرسیونی c است. در مدل تاثیرات کل، اثرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون حضور متغیر میانجی در نظر گرفته می‌شود (چنان که مشاهده می‌شود تمامی مسیرهایی که به متغیر میانجی ختم بوده، صفر در نظر گرفته شده است) که در جدول (۵) منعکس شده است:

جدول شماره (۵): نتایج تاثیرات کل مدل

معناداری	C.R	انحراف از میانگین	برآورد	مسیرهای مستقیم
۰/۰۰۰	۸۴/۸۱۷	۰/۰۱۲	۱/۰۲۷	اصول سازماندهی فضایی- جامعه‌شناختی جنگ نرم <---
۰/۰۰۰	۹۵/۷۰۰	۰/۹۳۴	۰/۹۳۴	رسانه‌های ملی <---

1. Baron and Kenny

2. Sobel test

3. Boot strapping

4. Total Effects

از مشاهده جدول (۵) چنین استنباط می‌شود که اگر مدل را بدون متغیر میانجی در نظر بگیریم (یعنی مسیرهای مستقیم)، هر دو مسیر با متغیر بافت‌های شهری در سطح ۹۵٪ معنادار خواهد بود (رابطه متغیر اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ و رابطه متغیر رسانه‌های ملی با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱).

در مرحله دوم مدل سوم یا (Indirect Effect)، مسیرهای غیرمستقیم را بدون در نظر گرفتن مسیرهای مستقیم در نظر می‌گیریم. جدول (۶)، به معناداری مسیر غیرمستقیم اشاره دارد.

جدول شماره (۶): نتایج مدل Indirect Effect

معناداری	C.R	انحراف از میانگین	برآورد	مسیر غیرمستقیم
۰/۰۱۴	۱/۹۱۸	۰/۰۹۷	۲/۱۸۵	اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم <---
				بافت‌های شهری <---

در مرحله بعد از مدل دوم که همان مدل Mediation Effect است، برای تحلیل فرضیه‌ها استفاده می‌شود. این مدل اذعان می‌دارد که مسیرها با در نظر گرفتن متغیر میانجی (رسانه‌های ملی) سنجیده شوند.

جدول شماره (۷): نتایج مدل Mediation Effect

معناداری	C.R	انحراف از میانگین	برآورد	مسیرها با حضور متغیر میانجی
۰/۰۰۵	۱/۹۱۸	۰/۰۹۷	۱/۱۸۵	اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم <---
				رسانه‌های ملی <---
۰/۰۲۲	۲/۲۸۶	۰/۱۰۶	۰/۲۴۳	رسانه‌های ملی <---
				بافت‌های شهری <---

جدول (۷) نتایج فرضیات فرعی پژوهش را نشان می‌دهد. با عنایت به نتایج به دست آمده با حضور متغیر میانجی، اصول سازماندهی فضایی - جامعه‌شناختی جنگ نرم با رسانه‌های ملی و رابطه رسانه‌های ملی با متغیر بافت‌های شهری با ۹۵٪ اطمینان و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ معنادار بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پیروزی و کامیابی دشمن در جنگ نرم علیه نمادهای شهر ایرانی - اسلامی و براندازی نظام مذکور امری غیر محتمل است، اما در عین حال لازم است با تقویت قدرت نرم کشور از میزان اثربخشی حمله‌های نرم دشمن علیه نظام اسلامی ایران تا حد امکان کاست.

در این چارچوب موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- اهتمام افزون‌تر در به کارگیری حداکثری آرمان‌ها و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی

- تقویت کارآمدی نظام

- مبارزه با تهاجم و ناتوی فرهنگی در ابعاد و عرصه‌های مختلف آن

- جلوگیری از نفوذ افراد فرصت‌طلب به بدنه اصلی نظام و پالایش کارگزاران نظام و ارتقای حداکثری اتحاد ملی و همگرایی میان اقوام، ادیان و مذاهب رسمی کشور
- کاهش اختلاف و واگرایی میان احزاب و جریان‌های سیاسی
- مبارزه جدی با فساد اقتصادی
- توجه خاص به وضعیت معیشتی مردم، کوشش برای بهبود وضعیت اقتصادی اقشار و دهک‌های ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه و اهتمام افزون‌تر به رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی
- شفاف‌سازی اقدامات، فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت‌مردان و کارگزاران نظام در عرصه‌های داخلی و خارجی
- افزایش همکاری‌ها و همگرایی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ابعاد و عرصه‌های مختلف
- تقویت دیپلماسی عمومی کشور
- توجه به نقش تشکل‌های مردم‌نهاد در رویارویی با جنگ نرم
- روشنگری در خصوص مبادی و شیوه‌های تهدیدات نرم دشمن
- مقابله با ایجاد و نشر شایعه‌های مخرب
- ترویج و نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی ایران
- مقابله در فضای مجازی
- آموزش و تربیت متخصصان مقابله با جنگ نرم
- تدوین راهبردهای رسانه‌ای کشور در زمینه شیوه‌های رویارویی با جنگ
- انجام پژوهش‌های بنیادین نظری و کاربردی رسانه‌ای در زمینه جنگ نرم
- آینده پژوهی در جنگ نرم.

منابع

- احمدی، محمدرضا. (۱۳۸۵). *استعمار فرانو و توان‌مندی‌های ایران*. نشریه اشراق اندیشه.
- اسماعیلی، علی محمد. (۱۳۸۹). *جنگ نرم در همین نزدیکی*. نشر ساقی، چاپ اول.
- الیاسی، محمدحسین. (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر ماهیت ابعاد و مبانی تهدیدات نرم*. مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل. نشر ساقی، چاپ دوم.
- الیاسی، محمدحسین. (۱۳۸۱). *اهمیت و عناصر قدرت نرم*. مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل. نشر ساقی، چاپ دوم.
- پرور، اسماعیل. (۱۳۸۰). *جهانی شدن و جهانی سازان*. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- پوراحمدی، حسین. (۱۳۸۹). *قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- راپاپورت، ایبوس. (۱۳۶۶). *منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی*. ترجمه: راضیه، رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

- رزاقی، احمد. (۱۳۷۷). **تبلیغات در جهان امروز**. مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- رنجبران، داوود. (۱۳۸۸). **جنگ نرم**. ساحل اندیشه تهران، چاپ چهارم.
- ضیایی‌پرور، حمید. (۱۳۸۸). **جنگ نرم (۱) ویژه جنگ رایانه‌ای**. مؤسسه فرهنگی، مطالعاتی و تحقیقاتی بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ سوم.
- ضیایی‌پرور، حمید. (۱۳۸۷). **جنگ نرم (۲) ویژه جنگ رسانه‌ای**. انتشارات مؤسسه فرهنگی، مطالعاتی و تحقیقاتی بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ چهارم.
- مسائلی، محمود؛ و ارفعی، عالیہ. (۱۳۷۷). **جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل**. مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مطهرنیا، مهدی. (۱۳۸۴). **دیپلماسی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران**. مجموعه مقالات کتاب آمریکا. مؤسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران. چاپ اول.
- محمدی، محمود. (۱۳۷۹). تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی برنامه‌ریزی کالبدی راهبردی جدید در توسعه و بهره‌وری بهینه موقوفات. **نشریه فقه و اصول**. وقف میراث جاویدان، شماره ۳۰، صص ۹۴-۱۰۵.
- نائینی، علی محمد. (۱۳۸۹). **جهانی شدن فرهنگ و تهدید امنیت ملی**. مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل. نشر ساقی، چاپ دوم.